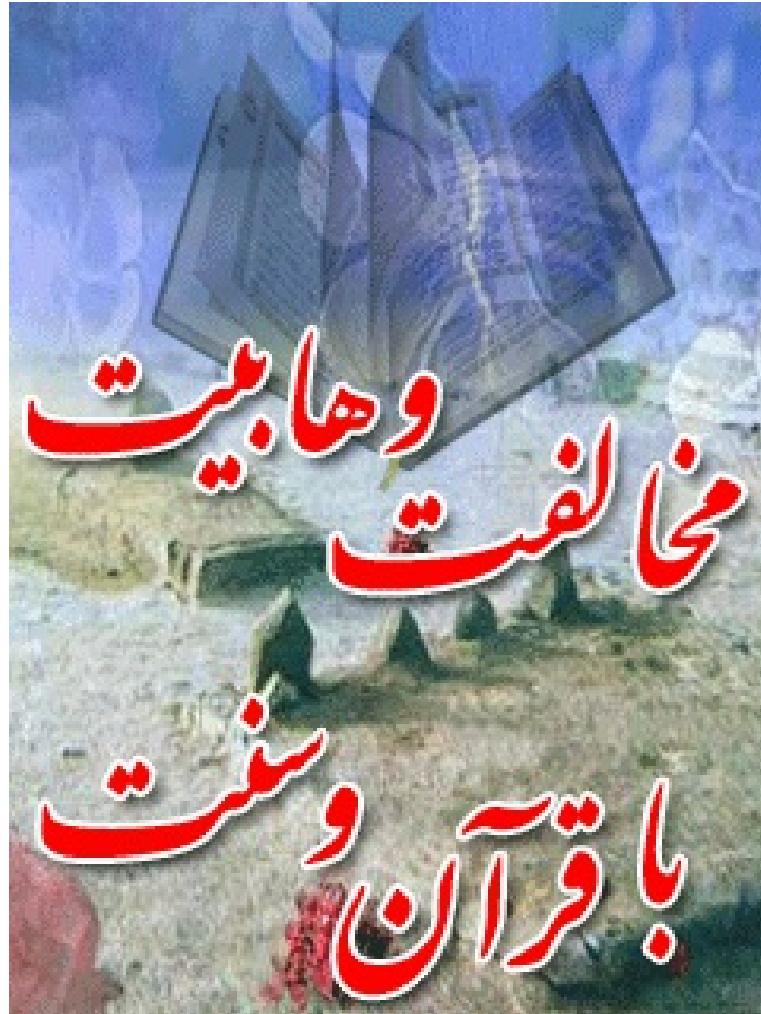


سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مخالفت وهابیت با قرآن و سنت

نویسنده:

عمر عبد السلام

ناشر چاپی:

مرکز نشر اعتقادات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مخالفت وهابیت با قرآن و سنت
۶	مشخصات کتاب
۶	وهابیها مشرکند، زیرا می گویند: خداوند دارای جسم است
۷	وهابیها فضائل انبیاء و اولیاء را که قرآن می گوید منکرند
۷	علم انبیاء و اولیاء در قرآن و سنت
۸	توسل و تبرک در قرآن و سنت
۹	توسل فرزندان یعقوب به آن حضرت
۹	توسل امت موسی به آن حضرت
۱۰	تبرک به پیراهن یوسف
۱۰	وهابیها همچون مادیون منکر روح
۱۱	صحابه اولین بانیان حرم رسول خدا (ص)
۱۲	سقف و حرم سازی برای مزار ام حبیبه زوجه رسول خدا توسط صحابه
۱۲	قبر فاطمه زهرا دختر رسول خدا (ص) در اتاق خودش
۱۳	قبر ذوی القربی، معروف به قبة العباس یا خانه عقیل:
۱۳	وهابیها زائران قبر رسول خدا را کافر می دانند
۱۳	عدم مشروعیت حکومت وهابیها
۱۴	تذکر
۱۴	پی نوشتها
۱۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

مخالفت وهابیت با قرآن و سنت

مشخصات کتاب

نویسنده: عمر عبد السلام ناشر: مرکز نشر اعتقادات

وهابیهامشر کنند، زیرا می گویند: خداوند دارای جسم است

در همه ادیان الهی - خصوصاً اسلام - توحید مهمترین اصل است. خداوند متعال، پیامبران را برانگیخت و سرلوحه دعوت آنان را تبلیغ یکتاپرستی و تبیین توحید قرار داد. این اصل، در قرآن و سنت پیامبر (ص) به روشنی تبیین شده است و هر مسلمانی باید، توحید را از این منابع زلال بگیرد تا مل در اعتقادهای و اندیشه های وهابیون نشان می دهد که آنان در این اصل اساسی به کلی از قرآن و سنت دور افتاده اند و خدا را با اوصافی که محکّمات قرآن و سنت معرفی می کند ((۱)) قبول ندارند. به اعتقاد آنان، خداوند در بالای عرش و یا در آسمان، محدود و محاط بوده و محتاج به مکان است ((۲)) ابن تیمیّه، رهبر وهابیه، در کتابهایش به این اعتقادات اعتراف نموده و به آیات متشابه قرآن و احادیثی مجعول متوسل گشته و از محکّمات قرآن و احادیث قطعی نبوی چشم پوشی کرده است. او در اثبات عقایدش به این حدیث متوسل شده است که می گوید: خدا هر شب و یا آخر هر شب از عرش به زمین فرود می آید و صبح آن شب، به عرش برمی گردد ((۳)) در حالی که شب در زمین دائمی است، یعنی هر لحظه، مکانی در حال شب شدن و مکانی در حال صبح شدن است و همیشه نصف کره زمین شب است و قسمتی از کره زمین، ثلث آخر شب است. اگر خدا محدود و محاط در عرش باشد و برای یک بار هم به زمین فرود بیاید دیگر برای همیشه در زمین باقی می ماند چون شب و ثلث آخر شب در زمین تا قیامت برقرار است. و لحظه ای نیست که شب یا ثلث آخر شب در کره زمین تمام شود و نباشد در نتیجه این حدیث، خودش را تکذیب می کند، زیرا ممکن نیست خداوند هر شب به زمین بیاید و صبح آن شب به عرش برگردد و اگر مقصود این است که خداوند یکبار به زمین می آید و دیگر به عرش برنمی گردد و یا اینکه لااقل تا قیامت برنمی گردد، باز هم عرش از وجود خدا خالی می گردد. در حالی که به اعتقاد وهابیه، خدا در عرش است به هر حال، ابن تیمیّه و پیروانش در کتاب خود به این عقیده که از آن یهودیان در خداشناسی است، اعتراف و افتخار می کند و این شاید عجیب نباشد. چون آنها یهودیان را موحد می دانند و ذبیحه (قربانی) آنها را حلال می دانند ((۴)). آنان به قدری به انحراف عقیده دچار گشته اند که حتی برای اثبات اعتقادشان به اعتقادات فرعون تمسک می جویند (به این صورت که می گویند: از آنجا که فرعون معتقد بود که خدای موسی در آسمان است و لذا به وزیرش هامان دستور داد چیزی برای بسازد تا بتواند به آسمان برود و خدای موسی را در آنجا ببیند. پس خدا در عرش است اگر کسی بگوید خدا همچون انسان است، یعنی محدود و محتاج به مکان است، به شهادت آیات محکّمات قرآن، کافر است. جریری در کتاب خود به نام الفقه علی المذاهب الاربعه اعتقاد به جسمیت خداوند و آنچه را مستلزم اعتقاد به تجسم باشد موجب کفر و معتقد به آن را کافر و مشرک می داند البته عجیب این است که ابن تیمیّه خودش می گوید: اعتقاد به اینکه خداوند جسم دارد موجب ارتداد نمی شود، زیرا قرآن و سنت و ائمه مذاهب نگفته اند که خداوند جسم نیست سرانجام همین نظرات ((۵)) مشرکانه وی درباره خدا و انکارش نسبت به مقام رسول الله باعث شد که به حکم قضات حنفی، مالکی و شافعی دستگیر گردید و در زندان محبوس گشت تا مرد، در حکمی که درباره او از طرف سلطان مسلمین صادر شده آمده است: وکان الشقی ابن تیمیّه فی هذه المدة قد بسط لسان قلمه، و مد عنان کلمه، و نص فی کلامه علی امور و منکرات، و اتی فی ذلک بما انکره ائمة الاسلام، و انعقد علی خلافه اجماع العلماء الاعلام، و خالف فی ذلک علماء عصره وفقهاء شامه و مصره، و علمنا انه استخف قومه فاطاعوه، حتی اتصل بنا انهم صرحوا فی حق الله

بالتجسیم ...

وهابیها فضائل انبیاء و اولیاء را که قرآن می گوید منکرند

وهابیها، علم و قدرت و فضایی را که خداوند به اولیاء خاص خود داده، انکار می کنند. آنان به هیچ رو نمی پذیرند که خداوند به کسی قدرتی بدهد که به اذن خدامریض را شفا دهد، یا از داخل خانه های مردم خبر دهد و یا تخت پادشاهی را در یک چشم به هم زدن احضار کند و یا زبان مورچگان و پرندگان را بفهمند و با آنها صحبت کند و یا همچون حضرت مریم از آینده طفل که در رحم دارد با خبر باشد، یا همچون پیامبر (ص) و علی از حوادث آینده خبر دهند و یا... حال آنکه قرآن برای انبیاء و اولیاء خدا، علم و توانائی خارق العاده و فضایل بسیاری را ذکر می کند که ما به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم: ۱ - درباره حضرت داود و سلیمان میفرماید: ولقد آتینا داود منافضلا یاجبال اوبی معه والطیر والنالہ الحدید ان اعمل سابغات وقدر فی السرد واعملوا صالحا انی بماتعملون بصیر ولسلیمان الریح غدوها شهر ورواحها شهر واسلنا له عین القطر ومن الجن من یعمل بین یدیہ باذن ربہ ومن یزغ منهم عن امرنا نذقه من عذاب السعیر یعملون له ما یشاء من محاریب وتمائیل وجفان کالجواب وقدرور راسیات اعملوا آل داود شکرا وقلیل من عبادی الشکور ((۶)) و داود را از سوی خود فضیلتی دادیم که ای کوهها و ای پرندگان با او هم آواز شوید و آهن را برایش نرم کردیم، که زرهای بلند بساز و در بافتن زره اندازها را نگهدار و کارهای شایسته کنید که من به کارهایتان بصیرم و باد را مسخر سلیمان کردیم، بامدادان یک ماهه راه می رفت و شبانگاه یک ماهه راه، و چشمه مس را برایش جاری ساختیم و گروهی از دیوها به فرمان پروردگارش برایش کار می کردند و هر که از آنان سر از فرمان ما می پیچید به او عذاب آتش سوزان را می چشاندیم برای او هر چه که می خواست از بناهای بلند و تندیسها و کاسه هایی چون حوض و دیگهای مهم برجای می ساختند. ای خاندان داود، برای سپاسگزاری کاری کنید و اندکی از بندگان من سپاسگزارند ۲ - در سوره دیگری خداوند متعال درباره حضرت سلیمان می فرماید: (وحشر لسلیمان جنوده من الجن والانس والطیر فهم یوزعون). ((۷)) سپاهیان سلیمان از جن و آدمی و پرنده گرد آمدند و آنها به صف می رفتند ۳ - درباره حضرت عیسی می فرماید: (و یعلمه الکتاب والحکمۃ والتورۃ والانجیل ورسولا الی بنی اسرائیل انی قد جئتکم بیه من ربکم انی اخلق لکم من الطین کهیئۃ الطیر فانفخ فیہ فیکون طیرا باذن اللہ و ابریء الا- کمه والابرص واءحیی الموتی باذن اللہ واءنبئکم بما تاء کلون وما تدخرون فی بیوتکم ان فی ذلک لایۃ لکم ان کنتم مؤمنین). ((۸)) خداوند به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد. و بر بنی اسرائیل وی را به رسالت می فرستد که: من با معجزه ای از پروردگارتان نزد شما آمده ام برایتان از گل چیزی چون پرنده می سازم و در آن می دمم. به اذن خدا پرنده ای شود. و کور مادرزاد و برص گرفته را شفا می دهم و به فرمان خدا مرده را زنده می کنم و به شما می گویم که چه خورده اید و در خانه های خود چه ذخیره کرده اید اگر از مؤمنان باشید اینها برای شما نشانه های حقانیت من است توسل مردم به حضرت عیسی بدین خاطر بود که عقیده داشتند خداوند به او قدرتی عطا فرموده که می تواند بیماران را شفا دهد یعنی او را پیامبر و بنده خالص خدا می دانستند و بخاطر همین عبودیت و بندگی است که آن حضرت به چنین علم و قدرتی از جانب خداوند دست یافت و البته که این شرک نیست، بلکه عین توحید است. شرک آن است که این قدرت را از خود آن حضرت بدانیم و نه از خدا

علم انبیاء و اولیاء در قرآن و سنت

خداوند متعال به برگزیدگان و بندگان خالص درگاه خود، غیر از قدرت به هر اندازه که بخواهد، علم و آگاهی هم عطا می کند. نمونه هایی از این بندگان را که علم لدنی داشتند، قرآن شریف ذکر کرده است که به آنها و مواردی دیگر اشاره می کنیم

۱ - مستثنی در آیه : (یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء). ((۹)) آنچه را که پیش رو و آنچه را که پشت سرشان است می داند و به علم او جز آنچه خودخواهد احاطه نتوانند یافت ۲ - مستثنی در آیه : (عالم الغیب فلا یتظهر علی غیبه احدا الا من ارتضی من رسول). ((۱۰)) او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچکس آشکار نمی سازد. مگر بر آن پیامبری که از او خشنود باشد ۳ - (ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک وما کنت لدیهم اذ اجمعوا امرهم وهم یمکرون). ((۱۱)) اینها خبرهای غیب است که به تو وحی کردیم و آن هنگام که با یکدیگر گرد آمده بودند و مشورت می کردند و حیل می ساختند، تو در آنها نبود ۴ - همسفر موسی از آینده آن کشتی و آن بچه ها خبر داشت : (فوجدنا عبدا من عبادنا آتیناه رحمۃ من عندنا و علمناه من لدنا علما). ((۱۲)) و در آنجا بنده ای از بندگان ما را که رحمت خویش را بر او ارزانی داشته بودیم و خودبدو دانش آموخته بودیم ، یافتند ۵ - داود و سلیمان علم لدنی داشتند. از جمله ، زبان پرندگان ، مورچگان ، جنیان و... رامی دانستند: (ولقد آتینا داود و سلیمان علما و قالوا الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین و ورث سلیمان داود و قال یا ایها الناس علمنا منطق الطیر و اوتینا من کل شیء ان هذا لهو الفضل المبین). ((۱۳)) ما به داود و سلیمان دانش دادیم ، گفتند: سپاس از آن خدایی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خود برتری داد. و سلیمان ، وارث داود شد و گفت : ای مردم ، به ما زبان مرغان آموختند و از هر نعمتی ارزانی داشتند و این عنایتی است آشکار ۶ - حضرت مریم به علم لدنی دانست بدون شوهر فرزندان می شود و دانست سرنوشت بچه اش چیست؟! (اذ قالت الملائکه یا مریم ان الله یشرک بکلمه منه اسمہ المسیح عیسی ابن مریم و جیها فی الدنیا و الاخره و من المقربین و یکلم الناس فی المهد و کھلا و من الصالحین قالت رب انی یکون لی ولد ولم یمسسنی بشر قال کذلک الله یخلق ما یشاء اذا قضی امرنا نقول له کن فیکون). ((۱۴)) فرشتگان گفتند: ای مریم ، خدا تو را به کلمه خود بشارت می دهد، نام او مسیح ، پسر مریم است ، در دنیا و آخرت ، آبرومند و از مقربان است . با مردم همچنان که در بزرگی در گهواره سخن می گوید و از شایستگان است . مریم گفت : ای پروردگار من ، چگونه مرا فرزندی باشد، در حالی که بشر به من دست نزده است . گفت : بدین سان که خدا هر چه بخواهد می آفریند. چون اراده چیزی کند به او گوید موجود شود، پس موجودی شود در روایت آمده است که به فاطمه زهراء نیز اخباری توسط ملائکه داده می شد و رسول خدا و علی بن ابی طالب نیز علم لدنی داشتند. وقتی علی بن ابی طالب از حوادث آینده و آخرالزمان و حمله ترکان مغول و تاتار بر بلاد اسلامی و چگونگی این حمله خبر می داد. مردی کلبی از او سؤال کرد یا علی آیا تو علم غیب می دانی ؟ علی از سخن آن مرد به خنده افتاد و گفت : ای مرد کلبی ، این علم غیب نیست ، این علم از راه تعلیم و تعلم است لیس هو بعلم غیب و انما هو تعلم من ذی علم ... فعلم علمه الله نبیه فعلمنیه . یعنی این اخبار از آینده را که من می گویم از اخباری است که خداوند به پیغمبرش تعلیم فرموده و پیغمبر خدا نیز آنها را به من آموخته و من آن آموخته پیغمبر خدا را برای شما بیان می کنم . اخبار رسول خدا و علی بن ابی طالب راجع به آینده و آخرالزمان در کتب معتبره به اسناد صحیح به طور متواتر آمده است . مثلا رسول خدا از حوادث بعد از خودش تا آخرالزمان و قیام مهدی خبر داده و علی بن ابی طالب نیز از روی کار آمدن بنی امیه و بنی مروان و قتل عام آنها توسط بنی عباس و از حوادث پس از انقراض بنی عباس تا قیام مهدی آل محمد خبر داده است

توسل و تبرک در قرآن و سنت

یکی دیگر از عقاید مسلم اسلامی ، که وهابیان آن را انکار می کنند، توسل است . مطابق عقیده این فرقه ، توسل فرزندان یعقوب به آن حضرت برای استغفار در نزد خدا، توسل مسیحیان به حضرت عیسی برای شفای امراضشان ، توسل بنی اسرائیل به موسی برای زنده شدن مقتول و معرفی قاتل و توسل هر شخصی یا امتی به پیغمبران و اولیاء شرک است ((۱۵)) پس طبق عقائد آنها تمام انبیاء و اولیاء خدا به خاطر تقریر و تایید چنین توسلاتی مشرک و کافرند در حالیکه در قرآن و روایات ، موارد زیادی از توسلات انبیاء و

اولیاء خدا آمده است که برخی از آنها را می آوریم :

توسل فرزندان یعقوب به آن حضرت

فرزندان یعقوب به آن حضرت متوسل شدند تا در پیشگاه خدا برای آنان استغفار کند (قالوا یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا انا کنا خاطئين ((۱۶)). گفتند: ای پدر، برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما خطاکار بوده ایم آنان در واقع آمرزش خود را از خدا می خواستند نه از حضرت یعقوب، و فقط در این کار، حضرت یعقوب را واسطه قرار داده بودند. زیرا یعقوب پیش خدا آبرومند بود و خداوند دعای او را رد نمی کرد در پی آن توسل، حضرت یعقوب فرمود: (قال سوف استغفر لکم ربی انه هو الغفور الرحیم). گفت: از پروردگارم برای شما آمرزش خواهم خواست. او آمرزنده و مهربان است

توسل امت موسی به آن حضرت

(واوحینا الی موسی اذ استسقاء قومه ان اضرب بعصاک الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عینا... ((۱۷)). (واذ استسقی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاک الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عینا). ((۱۸)) و چون قوم موسی از او آب خواستند به او وحی کردیم که عصایت را بر سنگ بزن، از آن سنگ، دوازده چشمه روان شد و هر گروه آبشخور خویش را شناخت. افزون بر آنچه گذشت، در خصوص استشفاء و توسل به پیامبر (ص) روایات زیادی وجود دارد که صحابه رسول خدا در مهمترین مشکلاتشان به پیغمبر خدا متوسل می شدند، آب وضوی حضرت و نیز موی سر مبارکش را برای استشفاء با خود می بردند، و پیغمبر خدا هم این رفتار را تقریر و امضاء می فرمود. و بلکه احیانا به شفا بودن آنها تصریح می نمود در اینجا برخی از این روایات و گزارشهای تاریخی را می آوریم: ۱- بخاری از انس بن مالک نقل کرده است که: در عهد رسول خدا (ص) مردم مدینه دچار خشکسالی شدند. در روز جمعه هنگامی که پیامبر خطبه می خواند، مردی برخاست و گفت: ای پیامبر خدا، کشتزارها و چارپایان ما در شرف هلاکتند از خدا بخواه که ما را سیراب گرداند، پیامبر (ص) دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و دعا فرمود: انس می گوید: بقدری باران بارید که آب بر منازل ما هم جاری شد، جمعه دیگر همان مرد برخاست، و گفت: یا رسول الله خانه های ما در حال ویران شدن است، از خدا بخواه که باران بایستد. پیامبر (ص) نگاهی به آسمان کرد، باران قطع شد و بر اطراف مدینه بارید ((۱۹)). یا رسول الله ان الله قد نصرک واعطاک واستجاب لک، وان قومک قد هلكوا، فادع الله ان یسقیهم. یا رسول الله، خداوند تو را یاری کرده و دعایت را مستجاب می کند. همانا قوم تو در حال هلاک شدن هستند. از خدا بخواه که آنان را سیراب گرداند... ۲- در صحیح بخاری از ابن عباس و انس بن مالک نقل شده است: ان عمر بن الخطاب کان اذا قحط اهل المدینه استسقی بالعباس ((۲۰)). هنگامی که قحطی و خشکسالی پدید می آمد، عمر به عباس عموی پیامبر (ص) متوسل می شد تا او دعا کند و باران بیاید و عباس دعا کرد و باران زیادی آمد. ۳- صحیح بخاری ذیل باب کنیه النبی (ص) از جعید بن عبد الرحمن روایت می کند که دیدم سائب بین یزید را در سن ۹۴ سالگی همچون جوانی معتدل پس او به من گفت این قدرت جوانی و قوت چشم و گوش را از دعای رسول اکرم دارم، زیرا من در کودکی مریض شدم خاله ام مرا پیش پیغمبر خدا برد و از آن حضرت خواست برای من دعا کند و دعا کرد. ۴- صحیح مسلم در جلد هفتم در باب قرب النبی (ص) بالناس و تبرکهم به، از انس بن مالک روایت می کند که ام سلیم وقتی رسول الله در خانه او استراحت می کردند، عرق بدن آن حضرت را جمع می کرد برای استشفاء و تبرک جستن برای شفای کودکان، حضرت رسول وقتی بیدار شد فرمود: کار صحیحی می کنی. (در مسند احمد از انس، ج ۳، ص ۲۲۶). ۵- در کتاب تاریخ مدینه آمده است: در هنگام دفن مادر علی (ع)، پیامبر (ص) لحظه ای در قبر خوابید و پیراهن خود را هم از تن درآورد و امر فرمود که زیر صورت او بگذارید. وقتی که از ایشان علت این کار را پرسیدند، فرمودند که پیراهن را به این خاطر

گذاشتم که - اگر خدا بخواهد - آتش به او نرسد. اما خوابیدم در قبر به این منظور بود که خداوند قبر او را وسیع گرداند. ۶ - صحیح مسلم در جلد هفتم در باب قرب النبی (ص) بالناس وتبرکهم به , از انس بن مالک نقل می کند که کارگران مدینه هر صبح با جامههایی از آب می آمدند تا رسول خدا با فروبردن دست در آنها آن آبها را تبرک کند و حضرت چنین می کرد حتی در روزهای بسیار سرد. (در مسند احمد, ج ۳, ص ۱۳۷). ۷ - صحیح مسلم در جلد هفتم در باب قرب النبی (ص) بالناس وتبرکهم به , از انس بن مالک روایت می کند که دیدم سلمانی سر رسول خدا را می تراشید و هر موی آن حضرت در دست یکی از صحابه بود که بدان تبرک می جست . (در مسند احمد, ج ۳, ص ۱۳۷). ۸ - در صحیح بخاری در کتاب لباس در باب القبة الحمراء من ادم , روایت می کند که ابو جحیفه می گوید رفتم پیش رسول خدا در قبه حمراء ادم و دیدم که بلال آب وضوی پیغمبر را بیرون آورد و مردم برای گرفتن قطره های آن با هم مسابقه می گذارند تا به آنها تبرک جویند. نکته دیگر اینکه : فضایل انبیاء, همچون شفا دادن عیسی , که در آیات صریح قرآن و سنت صحیح نبوی بیان شدن , غیر قابل انکار است و اگر فرد وهابی از روی عمد و آگاهی آنها را انکار کند مرتد می گردد و زن او خودبخود جدا شده و باید عده وفات نگهدارد, مگر آنکه انکارش از روی جهل و نادانی باشد که نوع عوام آنها چنین هستند.

تبرک به پیراهن یوسف

(اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یات بصیرا). این جامه مرا ببرید و بر روی پدرم اندازید تا بینا گردد. و همه کسان خود را نزد من بیاورید. چون کاروان به راه افتاد پدرشان گفت : اگر مرا دیوانه نخوانید بوی یوسف می شنوم گفتند: به خدا سوگند که تو در همان ضلالت دیرینه خویش هستی , چون مژده دهنده آمد و جامه بر روی او انداخت بینا گشت .

وهابیه همچون مادیون منکر روح

ابن تیمیه و پیروانش , همچون مادیون , مردن را معدوم شدن می دانند و به گفته قرآن و سنت به اینکه ارواح مردگان از زنده گان شنواترند و رسول خدا با ارواح مردگان حرف می زند, و شهداء سلام زائرین را می شنوند و جواب آنها می دهند, و... اعتقادی ندارند الف - مسلمانان طبق احادیث صحیح نبوی در آخر نماز از راه دور و نزدیک خطاب به رسول الله سلام می کنند و در هر کجای جهان که باشند می گویند: السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته . و در احادیث نبوی است که سلام شما به من می رسد و من جواب شما را می دهم ب - در احادیث دیگری هم آمده است که رسول خدا (ص) اهل قبور بقیع را همچون زندگان مورد خطاب قرار می داد و با آنان سخن می گفت که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می کنیم : ۱ - حدثنا هود بن خلیفه قال : حدثنا عوف عن الحسن ان النبی (ص) قام علی اهل البقیع فقال : السلام علیکم یا اهل القبور من المؤمنین والمسلمین , لو تعلمون ما نجاکم الله منه مما هو کائن بعدکم , ثم نظر الی اصحابه فقال هؤلاء خیر منکم ((۲۱)). هود بن خلیفه می گوید که عوف بن حسن گفت : پیامبر (ص) به اهل بقیع خطاب کرد و فرمود: السلام علیکم یا اهل القبور من المؤمنین والمسلمین , اگر بدانید که خداوند شمارا از چیزی که بعد از شما وجود دارد, نجات داده است . سپس روی به اصحاب کردند و فرمودند: اینان (شهداء) از شما بهترند ۲ - رسول خدا (ص) می فرماید: به میت خطاب کنید و تلقین نمائید که وقتی از توسؤال کردند در قبر بگو لا-اله الا الله لقنوا موتاکم لا اله الا الله ((۲۲)). ۳ - و نیز رسول خدا (ص) می فرماید: ان المیت یعرف من یحمله ومن یغسله ومن یدلیه فی قبره . میت می شناسد کسی که او را حمل می کند, کسی که او را غسل می دهد و کسی که او را در قبرش می گذارد ((۲۳)) ۴ - از عبدالله بن عمر است که ارواح شهداء, سلام زائران را می شنوند و جواب سلام را می دهند. تاریخ مدینه تالیف ابن شبه باب جنائز حدثنا ابو غسان قال حدثنا عبد الله بن نافع عن اسامة بن زید عن عبد الله بن ابي عروة , عن رجل حدثه

عن عبد الله بن عمر قال : من مر على هؤلاء الشهداء فسلم عليهم لم يزلوا يردون عليه الى يوم القيامة . ابوغسان به اسناد خود از عبدالله بن عمر نقل می کند: هرکس بر شهداء بگذرد و بر آنان سلام کند، سلام او را پاسخ می دهند ۵ - در حدیث آمده است که پیامبر (ص) شهدای احد را مخاطب قرار می داد و برارواح آنان سلام می کرد و می گفت : (سلام عليكم بما صبرتم ، فنعم عقبی الدار ... سلام بر شما به خاطر آن همه شکیانی که ورزیدید، سرای آخرت ، چه سرای نیکویی است . و قرآن نیز شهدا را زنده نامیده در سوره بقره ، آیه ۱۵۴ (ولا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات بل احياء ولكن لا تشعرون) . ۶ - از رسول خدا (ص) روایت شده است : العبد اذا وضع فی قبره وتولى وذهب اصحابه حتى انه لیسع قرع نعالمهم ... ((۲۴)) هنگامی که فردی را در قبر می گزارند و بستگانش می روند، او حتی صدای به زمین خوردن کفشهایشان را می شنود ۷ - در صحیح بخاری آمده است که پیغمبر خدا در پایان جنگ بدر کشته شدگان مشرکان را با این آیه صدا می زد: (ونادی اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا ...) . اصحاب گفتند: یا رسول الله مردگان را صدا می زنی ؟ پیغمبر فرمود: شما از آنها شنواتر نیستید ولی نمی توانید جواب بدهند ((۲۵)) ۸ - در سنن نسائی آمده است که پیغمبر (ص) فرمود: بر من ، زیاد درود بفرستید که درود شما بر من عرضه می شود، گفتند: یا رسول الله چگونه درود بر شما عرضه می شود در حالی که بدن شما پس از مرگ پوسیده خواهد شد. آن حضرت فرمودند: پیغمبر خدا زنده است و از خدا روزی می گیرد باری ، وقتی مردگان صدای زندگان را می شنوند و می توان آنها را مخاطب قرار داد. چرا نتوان به آنها گفت که برای ما دعا کنند. و یا اینکه از رسول خدا و شهداء که از شفاعت کنندگان روز قیامتند. بخواهیم برای ما در روز قیامت در درگاه خدا شفاعت کنند. آیا خداوند شفاعت آنها و یا دعای آنها را رد می کند؟ ۹ - علی بن ابیطالب بعد از وفات پیامبر (ص) به آن حضرت متوسل می شد و خطاب به آن بزرگوار می گفت : بابی انت وامی اذکرنا عند ربک واجعلنا من بالک . پدر و مادرم فدایت باد ما را در پیشگاه پروردگارت بیاد آور و در خاطرت نگهدار یعنی برای ما در پیشگاه خدا دعا کن ۱۰ - علی بن ابیطالب روایت می کند که پس از سه روز که رسول خدا از دنیا رفته بود، مردی اعرابی آمد و خود را بر روی قبر رسول خدا (ص) انداخت و از خاک قبر بر سر می ریخت و می گفت : یا رسول الله قلت فسمعنا قولک ، ووعیت عن الله سبحانه فوعینا عنک ، وکان فیما انزل علیک : (ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوک) ، وقد ظلمت وجئتک تستغفر لی . فنودی من القبر: قد غفرلک ((۲۶)) . ۱۱ - دارمی در کتاب صحیح خود باب ما اکرم الله نبیه بعد موته از ابوالجوزاء روایت کرده است که اهل مدینه دچار قحطی شدیدی شدند و به عایشه شکایت کردند. عایشه گفت : نگاه به قبر پیغمبر کنید و طوری آن را وسیله قرار دهید که میان آن و آسمان سقفی نباشد، آنها چنین کردند و باران آمد و علف روید در پایان این بحث ، بعضی از عبارات زیارت پیامبر (ص) را به روایت فاکهی و دیگران ذکر می کنیم : ۱ - وآته نهائیه ما ینبغی ان یساله السائلون ۲ - در زیارت مجمع الانهر آمده است که : واتوسل بک الی الله تعالی فی ان اموت مسلما علی ملتک وستک ۳ - و در زیارت دیگری که شرنبلالی حنفی در المراقی آورده ، آمده است که : وجئنا من بلاد شاسعه وامکنه بعیده بقصد زیارتک لنفوز بشفاعتک ... فاشفع لنا الی ربک واساله ان یمیتنا علی سنتک ... الشفاعه الشفاعه یا رسول الله . ۴ - احسن ما یقول : نحن وفدک یا رسول الله ، زوارک جنناک لقضاء حقک ، وللتبرک بزیارتک ، والاستشفاع بک مما اثقل ظهورنا واطلم قلوبنا . ۵ - قسطلانی در المواهب اللدنیه آورده است که : وینبغی للزائر له (ص) ان یکثر من الدعاء والتضرع والاستغاثه والتشفع والتوسل به (ص) ، وجدیر بمن استشفع له ان یشفعه الله فیه . ۶ - زقانی در کتاب شرح المواهب می گوید که : ولیتوسل به صلی الله علیه ، ویسال الله تعالی بجاهه فی التوسل به .

صحابه اولین بانیان حرم رسول خدا (ص)

وقتی رسول خدا (ص) از دنیا رفت ، صحابه طبق وصیت خود ایشان که فرموده بود: هر پیغمبری در همان جایی که از دنیا می رود

دفن می شود پیغمبر خدا (ص) را در زیر سقف همان اتاق دفن کردند و به قبرستان بقیع، که قبرستان عمومی مسلمانان بود، نبردند صحابه رسول خدا (ص) به روایت قاسم بن محمد بن ابی بکر و روایات دیگر به احترام قبر پیغمبر خدا (ص)، میان اتاق و دیواری ساختند تا آن نصف اتاق که قبر پیغمبر خدادار آن است به چهار دیواری محفوظ گردد و حریمی مستقل برای مزار رسول الله (ص) شود و لذا می توان گفت: صحابه رسول خدا اولین کسانی بودند که اقدام به بناء برای حریم مزار قبر رسول خدا کردند سپس عمر بن الخطاب برای آن خانه، دیواری ایجاد کرد که سایر صحابه آن دیوار را بزرگتر و بلندتر کردند و سپس بنی امیه و بنی عباس و... پس می توان گفت بانی ساختمان حریم قبر رسول خدا در مرحله اول، خود آن حضرت بود که چنین وصیتی کرد که در اتاق خودش دفن شود و بعد صحابه بودند که به بناء آن افزودند قاسم پسر محمد بن ابی بکر، یعنی برادرزاده عایشه، روایت می کند که من بر عایشه وارد شدم، گفتم: از شما می خواهم پوششی را که بر روی قبر رسول خدا و شیخین است، برداری تا قبرها را ببینم. عایشه آن پوشش را برداشت و من سه قبر را دیدم که در کنار هم قرار دارند. نه از زمین بسیار بلندند که مشرف باشند و نه با زمین یکنواخت هستند که زیر پا روند. همچنین مشاهده کردم که قبرها با سنگ و گل قرمزینت شده بودند ((۲۷)) البته اینکه قبر رسول الله مشرف نبوده به جهت دستوری است که رسول خدا به علی بن ابیطالب از مشرف بودن قبر نهی فرموده بودند ((۲۸)) و منظور از مشرف بودن قبر باملا-حظه روایات قبر پیغمبر و معنی اشراف و روایات قاسم بن ابی بکر و بعض زوجات پیغمبر (ص) بر اینکه قبر پیغمبر خدا مشرف نبوده در نتیجه آن اتاق مسجد نگردد. این است که روی قبر را همچون ستونی بالا نبرند که مشرف گردد، اما اینکه مقدار کمی از زمین بلندتر باشد که پایمال نشود و نیز از اینکه قبر در اتاق باشد نهی نشده است در طبقات ابن سعد آمده است: در زمان رسول الله خانه آن حضرت دیواری نداشت. اولین کسی که برای آن خانه، که قبر آن حضرت در اتاقی از آن بود دیوار بنا کرد، عمر بن خطاب بین سالهای ۱۳ - ۲۳ بود عیدالله بن ابی زیاد می گوید: خانه پیامبر، دیوار کوتاهی داشت سپس عبدالله بن زبیر آن دیوار را بالا-تر برد و بر آن افزود ((۲۹)) بخاری می گوید: هنگامی که در زمان ولید بن عبدالملک (۸۶ - ۹۶) آن دیوار فرو ریخت، مجدداً آن را بنا کردند و هابیون که با مشرک خواندن سازندگان حرم رسول خدا و صحابه و ذوی القربی مقصودشان اهانت به خود رسول خدا و صحابه و تابعین است (که چنین وصیت نموده و بناهایی را ساخته اند) خود مشرک و مرتدند، نه صحابه رسول خدا (ص) ((۳۰)).

سقف و حرم سازی برای مزار ام حبیبه زوجه رسول خدا توسط صحابه

هنگامی که عقیل بن ابی طالب در خانه اش چاهی حفر می کرد به سنگی برخورد که بر روی آن نوشته بود: قبر ام حبیبه بنت صخر بن حرب پس عقیل آن چاله را پر کرد و بر روی آن اتاقی بنا کرد. یزید بن سائب می گوید: من بر آن خانه داخل شدم و آن قبر را در آنجا دیدم ((۳۱)).

قبر فاطمه زهرا دختر رسول خدا (ص) در اتاق خودش

عبدالعزیز بن عمران می گوید: فاطمه و همچون رسول خدا، در منزل خودش، شبانه و دور از چشم اکثر مردم، دفن شد. امام جعفر صادق (ع) می گوید: فاطمه زهرا شبانه در منزلش دفن شد. این منزل، در کنار مسجد بود و قبر او اینک در مسجد است ((۳۲)). ابن جماعه می گوید: در اینکه قبر فاطمه کجاست، دو نظر وجود دارد: یکی اینکه فاطمه در منزل خودش، دفن شده است و نظر دوم اینکه در بقیع و در همان مسجدی که منسوب به ایشان است و در نزدیکی قبه عباس عموی پیامبر، مدفون است ((۳۳)). نظر درست و صحیح همان روایت امام جعفر صادق (ع) است که فاطمه در خانه خودش که در کنار مسجد النبی بوده دفن شده که پس از توسعه مسجد داخل مسجد افتاده است و آن قبری که در بقیع در قبه عباس است قبر فاطمه بنت اسد مادر علی بن ابی طالب

است .

قبه ذوی القربی , معروف به قبه العباس یا خانه عقیل :

ابن شبه می گوید: عباس بن عبدالمطلب در کنار قبر فاطمه بنت اسد دفن شد که در ابتدای مقبره های بنی هاشم و در منزل عقیل است ((۳۴)). محب طبری , محدث حجاز می گوید: حسن بن علی در کنار مادرش (مادر بزرگش) فاطمه , دفن شد و قبر این دو در قبه عباس است ((۳۵)). از محب الدین ابن نجار روایت شده است : در کنار حسن بن علی , فرزند برادرش , زین العابدین و محمد باقر و جعفر صادق (ع) نیز دفن شده اند ((۳۶)). غزالی نیز محل و قبه عباس و شکل آنها را همین گونه توصیف کرده است . - شیخین نیز در زیر سقف دفن شدند. و حسن بن علی نیز وصیت کرد در کنار قبر رسول خدا (که زیر سقف بود) دفن شود. - هارون الرشید نیز در خانه ای که مرد دفن شد یا آن خانه را مامون برای او ساخت که اکنون معروف به مزار علی بن موسی الرضا است . قبه ذوی القربی در زمان بنی عباس بدست خلفاء و زیر آنها تعمیر شد.

وهابیها زائران قبر رسول خدا را کافر می دانند

با آنکه رسول خدا به زیارت قبور مؤمنین امر کرده و سیره رسول خدا بر زیارت قبور بوده است چه رسد به زیارت قبر رسول خدا که بالاترین مؤمن است و بهترین مصداق امر بزیارت قبور است چنانچه پیامبر خدا به زیارت قبور فرمود فروروا القبور - وزوروا مسلم در باب اضاحی آنرا نقل می کند و نیز ترمذی و نسائی و ابن ماجه و ابن داود در ابواب جناز و در سنن خود آنرا نقل می کند و احمد در مسندش و نیز دیگران ... و لذا حجاج بیت الله الحرام پس از اداء حج مکه و مسجدالحرام را که نماز در مسجدالحرام بالاترین ثواب نماز در مساجد را دارد آن را برای زیارت قبر رسول خدا ترک می کنند تا به ثواب زیارت عظیم قبر رسول الله نایل شوند و این سیره خلفاء و صالحین از سلف بوده تا حال ادامه دارد و تنها ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب از مؤسسين وهابیت در کتابهایشان و اینک هم ابن باز در کتابش بنام التحقيق و الايضاح صفحه ۶۹ با سفر به قصد زیارت رسول الله مخالفت کرده اند و زوار قبر رسول الله راجهال و کفار می دانند, کتاب الرد علی الاخوانی لابن تیمیه : لا يقصد الى القبر (قبر النبی - ص -) الا جاهل او کافر.

عدم مشروعیت حکومت وهابیها

احادیث بسیاری از پیامبر گرامی اسلام (ص) وارد شده است که حکومت از آن قریش است , این احادیث را منابع حدیثی اهل سنت آورده اند. همچنین مطالبی در این زمینه از ابوبکر و دیگران وارد شده است که ما برخی از آنها را در ذیل می آوریم : ۱ - از رسول خدا (ص) روایت شده است : لا يزال هذا الامر فی قریش ما بقی منهم اثنان ((۳۷)). امر خلافت , از آن قریش است حتی اگر در میان آنها دو نفر باقی بمانند. ۲ - لا يزال هذا الامر فی قریش ما بقی من الناس اثنان ((۳۸)). امر خلافت از آن قریش است , حتی اگر از مردم دو نفر باقی بماند یعنی تا قیامت است . ۳ - همچنین از ابوبکر نقل شده است که در روز سقیفه می گفت : نحن امراء وانتم الوزراء ((۳۹)). ما (قریش) امیریم و شما (انصار) وزیر. ۴ - و نیز از ابوبکر نقل شده است : لم يعرف العرب هذا الامر الا لهذا الحی من قریش ((۴۰)). عرب حکومت را از آن قریش می دانند. ۵ - از رسول خدا (ص) روایت شده است : الائمه من قریش : ان لهم علیکم حقاً , ولکم علیهم حق مثل ذلک , ما ان استرحموا فرحموا , وان عاهدوا وفوا , وان حکموا عدلوا . فمن لم يفعل ذلک منهم فعليه لعنة الله والملائكة والناس اجمعين ((۴۱)). پیشوایان از قریش هستند , همانا شما بر آنان حقی دارید و آنان نیز بر شما حقی دارند مادمی که به پیمانهای خود وفا کنند و به عدالت حکم کنند و رحم داشته باشند , و اگر چنین نباشند (علاوه بر

آنکه بر شما حقی ندارند) پس لعنت خدا و ملائکه و تمامی مردم بر آنان باد. و در مسند احمد بن حنبل از ابی برز: قال رسول الله (ص): الامراء من قریش, الامراء من قریش, الامراء من قریش ۶ - یكون بعدی اثنا عشر خلیفه کلهم من قریش ((۴۲)). ۷ - یكون بعدی اثنا عشر امیرا ... کلهم من قریش ((۴۳)). (انی جاعلک للناس اماما قال ومن ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین), یعنی ستمگر حق رهبریت را ندارد. بقره, آیه ۱۲۴. احادیثی را که از پیامبر (ص) به نقل از منابع معتبر آوردیم و نیز استدلال شیخین در مقابل انصار همچنین فتوای ائمه همه مذاهب اسلامی و اجماع سلف, از زمان صحابه و تابعین, بر این است که: اولوالامر باید قریشی باشد و خلافت غیر قریشی نامشروع است و اطاعت امرش واجب نبوده بلکه حرام است. پس تنها امرای عادل قریش واجب الاطاعه هستند بنابراین, حکومت وهابیه که غیر قریشی است, نامشروع است. بالا-خص این که الان وسیله سلطه کفر بر مسلمین شده اند. سوره النساء, ۱۴۱ (لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا).

تذکر

صحیح بخاری در کتاب الفتن از عبد الله بن عمر روایت می کند که پیغمبر خدا (ص) دوبار فرمود: خدایا به ما در یمن ما برکت بده خدایا به ما در شام ما برکت بده اصحاب گفتند یا رسول الله بفرمائید نجد ما هم برکت بده, پیغمبر خدا فرمود: نجد جای زلزله ها و فتنه هاست و شاخ شیطان از آن جا بیرون می آید. یاد آور می شود که نجد مرکز خروج و طغیان وهابیون علیه مسلمین بوده است که به کشتن عباد و زهاد حرم و حتی طفل شیرخوار و آتش زدن کشاورزی و تجزیه امپراطوری دولت مسلمین و ذلت جهان اسلام بدست صهیونیست و کفار محارب منتهی گشت.

پی نوشتها

۱- از جمله در قرآن, درباره خداوند آمده است: (هو معکم اینما کنتم) سوره حدید, آیه ۴. (کان الله بکل شیء محیطا) سوره نساء, آیه ۱۲۶. (اقرب الیه من حبل الوريد) سوره ق, آیه ۱۶. ۲- از کتابهایی که در آنها به این عقاید تصریح شده عبارت است از رساله العقیده الحمویة, رساله العقیده الواسطیة, الفتاوی الکبری و منهاج السنه تالیف ابن تیمیة ۳- کتاب مجموعه الرسائل لابن تیمیة - در رساله الوصیة الکبری و کتاب الصواعق المرسله ابن قیم ۴- ر. ک. الفتاوی الکبری از ابن تیمیة, ج ۲, ص ۱۸۰, چاپ بیروت. ۵- الدرر الكامنه لابن حجر عسقلانی عن القاضي المالکی قال فقد ثبت کفر ابن تیمیة ۶- سوره سباء, آیات ۱۰ - ۱۳ - ۷- سوره نمل, آیه ۱۷ - ۸- سوره آل عمران, آیات ۴۸ - ۴۹ - ۹- سوره بقره, آیه ۲۵۵ - ۱۰- سوره جن, آیات ۲۶ - ۲۷ - ۱۱- سوره یوسف, آیه ۱۰۲ - ۱۲- سوره کهف, آیه ۶۵ - ۱۳- سوره نمل, آیات ۱۵ - ۱۶ - ۱۴- سوره آل عمران, آیات ۴۵ - ۴۷ - ۱۵- ر. ک. الرد علی الاخنانی و کتاب فتاوی الکبری لابن تیمیة, و کتاب کشف الشبهات فی التوحید لمحمد بن عبدالوهاب, چاپ قاهره و تفسیر فاتحه, چاپ ریاض ۱۶- سوره یوسف, آیات ۹۷ - ۹۸ - ۱۷- سوره اعراف, آیه ۱۶۰ - ۱۸- سوره بقره, آیه ۶۰ درباره رسول الله هم قرآن می فرماید: وما کان الله ليعذبهم وانت فيهم وما کان الله معذبهم وهم يستغفرون (سوره انفال آیه ۳۳) تا آنگاه تو در میانشان هستی خدا عذابشان نکند و تا آنگاه از خدا آمرزش می طلبند نیز خدا عذابشان نخواهد کرد ۱۹- صحیح بخاری در علامات النبوة, و در فصل نماز جمعه ۲۰- ابن شبه در تاریخ مدینه و صحیح بخاری در باب استسقاء و خروج النبی (ص) و در باب مناقب قرابة النبی (ص) ۲۱- ابن شبه, تاریخ المدینة المنورة, وفاء الوفاء سمهودی, و در صحیح بخاری ۲۲- صحیح مسلم در باب تلقین میت از ابواب جنائز (ومسند احمد, ج ۳, ص ۳) ۲۳- مسند احمد, ج ۳, ص ۲۴۳- صحیح بخاری, کتاب جنائز باب الميت یسمع خفق النعال و صحیح مسلم در جنة حدیث ۷۰ - ۷۱ و مسند احمد از انس, ج ۲, ص ۲۳۳ - ۲۵- صحیح بخاری, ج ۵, ص ۹۷, چاپ بیروت و صحیح مسلم در باب جنة حدیث ۷۷ و مسند احمد از عبد الله بن عمر, ج ۲, ص ۱۳۱, و مختصر سيرة الرسول

لمحمد بن عبدالوهاب فی باب غزوۀ بدر ۲۶- وفاء الوفاء سمهودی , ج ۴, ص ۱۳۶۱ یافعی در کتاب مرآة الجنان در حوادث سنه ۷۲۸ می نویسد لابن تیمیۀ مسائل غریبۀ انکر علیہ فیها و حبس بسببها مباینۀ لمذهب اهل السنۀ و من اقبحها نهیہ عن زیارۀ قبرالنبی (ص) زشت ترین کار ابن تیمیہ مخالفت با زیارت قبر رسول خداست و ابن باز مفتی و هابیهائکون هم سفر برای زیارت قبر رسول خدا را حرام می داند ۲۷- تاریخ الاسلام ذهبی , وفاء الوفاء سمهودی ۲۸- مسند احمد بن حنبل در فصل مسند علی بن ابیطالب ۲۹- طبقات ابن سعد ۳۰- و هابیهها برای بقیع که مزار مؤمنین است دیوار کامل و بلندی ساخته اند. ۳۱- ابن شبه در تاریخ مدینه , ص ۱۷۳ - ۲۶۲. ۳۲- همان مدرک . ۳۳- وفاء الوفاء, ج ۳, ص ۹۰۷ - ۹۱۱. ۳۴- تاریخ مدینه , لابن شبه , متولد قرن دوم هجری . ۳۵- ذخائر العقبی . ۳۶- اخبار مدینه . ۳۷- صحیح بخاری , کتاب احکام باب الامراء من قریش , و نیز همان مدرک , کتاب مناقب . ۳۸- صحیح مسلم , باب امارۀ , و مسند احمد بن حنبل در مسند عبداللہ بن عمر (ج ۲, ص ۲۹, ۹۳, ص ۱۲۸). ۳۹- صحیح بخاری , کتاب مناقب , باب مناقب قریش . ۴۰- مسند احمد, حدیث سقیفہ , ج ۱, ص ۵۶. ۴۱- مسند احمد, در مسند ابی سعید الخدری , ج ۳, ص ۱۲۹, و در مسند انس , ج ۳, ص ۱۸۳, و در مسند ابی برزہ , ج ۴, ص ۴۲۱, ج ۴, ص ۴۲۴. ۴۲- مسند احمد بن حنبل , ج ۵, ص ۸۷, ۹۰, ۹۳, ۹۷, ۹۸, ۹۹, ۱۰۰, ۱۰۱, ۱۰۷, ۱۰۶. ۴۳- صحیح بخاری , آخر کتاب احکام , و صحیح مسلم , باب امارۀ , و مسند احمد بن حنبل , ج ۵, ص ۹۰, ۹۲, ۹۳, ۹۸, ۹۹, ۱۰۱, ۱۰۷, ۱۰۸.